

رساله مشق توپخانه مؤلف / مترجم: ناشناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به کوشش: سید محمود مرعشی نجفی

مقدمه

اثر حاضر، رساله‌ای است به فارسی درباره‌ی قوانین و مقررات ارتش، واحد توپخانه و توپچیان. نسخه‌ای از آن که نفیس و نایاب است. به خط یکی از خوشنویسان، به نام امیرزاده محمدعلی میرزا، در کتابخانه‌ی مرحوم والد حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله وجود دارد که تاریخ پایان آن، ربیع الاول ۱۲۹۶ است.

در انجمن آمده است:

تمام شد درس مشق پیاده‌ی توپخانه مبارکه، به معلّمی عالی جاه موسیولیو صاحب...

این رساله ضمیمه‌ای دارد در بیان مشق شمشیر و طپانچه به خط همان کاتب در سلخ ربیع الاول ۱۲۹۷.

بسم

به نام یزدان پاك

درس اول

در وضع ایستادن توپچی پیاده:

[نمره] ۱. فرمانده فرمان می دهد: خبردار!

در این فرمان، توپچی دقت نموده و می ایستد به طریق ذیل:

پاشنه‌های پا در روی يك خط پهلوئی یکدیگر و پاها [را] باز نموده به نهوی^۱ که پنجه‌های پا به سمت خارج گردیده باشد، زانوها کشیده و ممتد باشد، بدون لرزش، بدن قائم روی استخوان‌های کمر، و سینه‌ها مایل به پیش، و شانه‌ها متساوی لارتفاع^۲ مایل به عقب، بازوها آویخته به حالت طبیعی، آرنج نزدیک به بدن، انگشت‌های کوچک در امتداد دوخت شلوار، سر راست بدون میل، و چشم‌ها دوخته به پیش رو، کلیتاً تمام سنگینی بدن به روی پنجه‌ها بوده باشد.

[نمره] ۲. به جهت این که توپچی‌ها را به حالت استراحت در آورند، معلّم فرمان می دهد:

راحت باش!

در این فرمان، توپچی در جای خود می ایستد. ولی برای اینکه ساکت و بی حرکت بوده باشد - و هر دو دست را در جلوی خود به روی هم انداخته، پای راست را قدری به پیش می گذارد.

[نمره] ۳. در به راست راست و به چپ چپ معلّم فرمان می دهد: به راست یا به چپ،

راست / چپ!

در فرمان به راست یا به چپ، توپچی به روی پای چپ به قدر ربع دایره می گردد به طرف راست یا چپ، در حالتی که پنجه‌های چپ و تمام پای راست [را] از زمین مرتفع نموده باشد.

[نمره] ۴. در هم به راست و هم به چپ، معلّم فرمان می دهد: هم به راست یا هم به چپ،

راست یا چپ!

این حرکت را مثل به راست راست، یا به چپ چپ، معمول می دارند. ولی توپچی یان،^۳ به

قدر نصف ربع دایره می گردند به سمت مذکور.

۱. در متن چنین است. صحیح: نحوی.

۲. در متن چنین است. صحیح: متساوی الارتفاع.

۳. در متن چنین است. صحیح: توپچیان.

نمره ۵. در طرف راست گرد معلم فرمان می دهد: طرف راست گرد!
در فرمان گرد، توپچیان رو به عقب می نمایند، در حالتی که پنجه های پا را قدری مرتفع نموده
و ساق های پا را مُتد می دارند و می گردند روی پاشنه های پای چپ.

درس دویم

در اصول حرکات مختلفه با قدم:

در قدم متعارفی:

نمره ۶. طول قدم متعارفی هشتاد صدم ذرع است؛ در صورتی که اندازه گرفته شود، از
پاشنه تا پاشنه دیگر، و سرعتش در هر دقیقه صد و بیست.

نمره ۷. فرمانده می رود به فاصله [ای] که بتواند تمام توپچیان را ملاحظه نماید، رو به ایشان
نموده، وضع و آهنگه^۱ قدم را به ایشان بیان می نماید، چنانچه^۲ در ذیل بیان شده، حرکات را
جاری می کند، و خود محض سرمشق آن را مجرای آن دارد، و فرمان می دهد: پیش پرش!

نمره ۸. در فرمان پیش پرش، توپچی سنگینی بدن را روی پای راست می آورد. در فرمان
پرش، پای چپ را پیش می برد، به طوری که نوک پنجه گردیده باشد به سمت خارج، و هشتاد
صدم ذرع پای راست [را] بدون زدن می گذارد به زمین و پاشنه پای راست را بلند می کند، و
سنگینی بدن را می آورد به روی آن پا که زمین گذاشته شده.

نمره ۹. در فرمان دو، پای راست را در نزدیکی زمین به پیش می برد، به همان فاصله و
قاعده ای که به جهت پای چپ مذکور شد، زمین می گذارد. و به همین طریق به فرمان یک و
دو حرکت می کند، و مواضبط^۳ می نماید که ساق ها از یکدیگر جدا نشوند و شانه ها نگردند، و
بازوها حرکت طبیعی خود را داشته باشند، و سر همیشه راست باشد.

نمره ۱۰. به جهت بازداشتن توپچی از حرکت، فرمانده فرمان می دهد: دسته حالت!
فرمان حالت در لحظه ای داده می شود که پای راست به زمین می رسد. در این فرمان،
توپچی پای چپ را پیش آورده، و به روی همین پا حالت می نماید، و پای راست [را] بدون زدن

۱. در متن چنین است. صحیح: آهنگ.

۲. در متن چنین است. صحیح: چنان که.

۳. در متن چنین است. صحیح: مواظبت.

به زمین، به پای پیش ملحق می‌نماید.

نمره ۱۱. فرمانده ابتدا عادت می‌دهد توپچیان را در درستی طول قدم. و وقتی که عادت به این فقره نمودند، کم کم سرعت حرکت آنها را زیاد می‌نماید تا این که متدرجاً برساند به حدی که در هر دقیقه، صد و بیست قدم حرکت می‌نماید.



درس سیم

نمره ۱۲. محض این که راه رفتن توپچی منظم و حرکات به تحقیق موافق منظور باشد، فرمانده مواظبت می‌کند که سنگینی بدن درست به روی پای پیش آید، محض سهولت پاشنه پای دیگر به موقع بلند شود، و سرراست باشد، و بدن به سمت راست و چپ منحرف نشود.

نمره ۱۳. وقتی که اشخاص به طول و سرعت قدم عادی شدند، فرمانده آنها را حرکت به پیش می‌دهد، بدون آن که حرکات را مجرا نماید و لحظه به لحظه آهنگه^۱ قدم را معین می‌سازد؛ به این نحو که فرمان می‌دهد: يك!

وقتی که پای چپ [را] به زمین می‌گذارد.

و دو! وقتی که پای راست [را].

در [به] عقب پرش:

نمره ۱۴. در صورتی که توپچیان ایستاده باشند، معلم فرمان می‌دهد: به عقب پرش!

در فرمان پرش، توپچی به جلدی پای چپ را به قدر سی و پنج صدم ذرع به عقب می‌برد. این فاصله اندازه گرفته می‌شود از پاشنه به پاشنه دیگر، و همین حرکت را با پای راست مجرا می‌دارد و به این حرکت مداومت می‌نماید تا آن که فرمان دسته حالت داده شود.

در این فرمان، توپچی ایستاده، پای پیش را به پای عقب ملحق می‌نماید، بدون آن که به زمین بزند.

نمره ۱۵. فرمانده مواظبت می‌نماید که توپچیان مستقیماً به عقب حرکت کنند، و بدنشان همیشه قائم باشد، موافق وضع معینه. آهنگه^۲ این قدم نیز مثل آهنگ قدم متعارفی است.



۱. در متن چنین است. صحیح: آهنگ.

۲. در متن چنین است. صحیح: آهنگ.

درس چهارم

نمره ۱۶. در ابتدای تعلیم در نظام گرفتن توپچی، به هیچ وجه مواظبت نمی کنند، ولی هنگامی که در درستی و تساوی طول و آهنگ قدم ورزیده شدن،^۱ واسطه حقیقی نظام گرفته را اختیار می نماید.

در دویدن:

نمره ۱۷. طول قدم دو، يك ذرع است، و سرعتش در هر دقیقه صد و هفتاد قدم. فرمانده فرمان می دهد: بدو پرش!

در فرمان بدو، توپچی سنگینی بدن را به روی پای راست می آورد. در فرمان پرش پای چپ را پیش به زمین می گذارد در يك ذرعی، به طوری که ابتدای نوک پنجه فرود آید، و همین حرکت را پای راست مجرامی دارد و علی الاتصال دقت می نمایند که پاها در امتداد خود حرکت نماید و زیاد هم از زمین مرتفع نشوند. مداومت می نماید و ملاحظه می کند سنگینی بدن، همیشه به روی پای می افتد که به زمین می رسد، و بازوها حرکت طبیعی خود را داشته باشد.

نمره ۱۸. به جهت بازداشتن دسته از حرکت، فرمانده فرمان می دهد: دسته حالت!^۲

در فرمان حالت،^۳ توپچی پای را که عقب است، به پای پیش ملحق می سازد.

نمره ۱۹. فرمانده هر لحظه آهنگ قدم را به توپچیان نشان می دهد، به این طور که پا به زمین می رسد، فرمان می دهد: يك!

و وقتی که پای راست فرود می آید، فرمان می دهد: دو!

نمره ۲۰. فرمانده در همین^۴ دویدن به توپچیان سفارش می کند که حتی الامکان از بینی نفس کشند و دهان را ببندند؛ زیرا که تجربه شده است که در حین دویدن، توپچی این حالت [را] اختیار کند، هم زیاد می دود، و هم کمتر خسته می شود. فرمانده نیز می تواند در راه رفتن فرمان بدو پرش را بدهد، و هم از بدو پرش، فرمان قدم پرش، و هر دو فرمان را باید برای پای راست بدهند.

۱. در متن چنین است. صحیح: شدند.

۲. در متن چنین است. صحیح: حالت.

۳. در متن چنین است. صحیح: حالت.

۴. در متن چنین است. صحیح: حین.

در درجا پرش:

نمره ۲۱. چون توپچی در حالت پرش باشد، فرمانده فرمان می دهد: درجا پرش!
فرمان پرش وقتی داده می شود که پای راست به زمین رسیده باشد، توپچی توقف نموده و آهنگ قدم را نشان می دهد، در حالتی که پی در پی پاها را بلند می کنند و به زمین می گذارند، مانند پرش.

نمره ۲۲. به جهت آن که مکرر به پرش مداومت نمایند، فرمانده فرمان می دهد: پیش پرش!
فرمان پرش مثل آن که سابق ذکر شد، داده می شود و توپچی قدم هشتاد صدم ذرعی را اختیار می کند در تبدیل پا نمودن.

[نمره ۲۳. چون توپچیان به حالت حرکت باشند، فرمانده فرمان می دهد: تبدیل پا!
فرمان تبدیل پا در لحظه ای داده می شود که پای راست به زمین رسیده باشد. در این فرمان، توپچی پای چپ را پیش می برد و به زمین می گذارد و پای راست را پهلوی آن گذارده، مجدداً پای چپ را پیش می گذارد.



درس پنجم

در حرکات نظر به راست و نظر به چپ:

نمره ۲۴. فرمانده فرمان می دهد: نظر به راست / نظر به چپ، یک.
در این فرمان توپچیان سر را می گردانند به طرف راست / چپ، و ملاحظه می کنند که حرکت سریع نشود، و شانه ها از جای خود حرکت نکند. پس از آن چشم ها را می دوزند به خط چشم های توپچیان که در آن صف واقعد.

نمره ۲۵. فرمانده فرمان می دهد: نظر به پیش!
در این فرمان، توپچیان سر را می گردانند به سمت پیش، و وضع معینه را اختیار می کنند.

در نظام دادن:

نمره ۲۶. فرمانده بعدها شروع می نماید به مشق نظام دادن فرداً فرد. برای این نظام دادن و فهماندن به اشخاص، سه نفر [را] از طرف راست یا چپ، سه قدم به پیش می برد، و فرمان می دهد: سه نفر از راست یا چپ، سه قدم به پیش پرش!



بعد از این که به این سه نفر نظام داد، سایرین يك به يك به جُز فرمانده پیش رفته، به روی خطی که آن سه نفر اول رفته بودند، نظام از آنها می گیرند.

نمره ۲۷. هر نفری از توپچی در خبر فرمانده سرو چشم های خود را می گرداند به سمت راست / چپ، به نحوی که برای نظر به راست یا چپ ذکر شد، سه قدم کوتاه پیش می رود، و به قسمی که در قدم سیم به فاصله دو کره عقب خط جدید واقع بشود، و هرگز نباید از خط نظام بگذرد، و بعد با قدم بسیار کوتاه به روی خط برود. در رسیدن روی خط تکیه می نماید به نفر آخری، بدون این که تغییری در سرو چشم خود بدهد. و همچنین شانه هایش هم باید در امتداد شانه های نفر پهلوی خود بوده باشد.

نمره ۲۸. فرمانده وقتی ملاحظه نمود که توپچیان نظام گرفتند، فرمان می دهد: نظر به پیش! در این فرمان، توپچیان سر را می گردانند به سمت پیش.

[نمره ۲۹. وقتی که توپچیان نظام گرفتند، فرداً فرد خوب یاد گرفتند، فرمانده صف را به تمام، یکدفعه نظام می دهد، بدین فرمان: نظام به راست یا به چپ!

در این فرمان، صف به جز آن سه نفری که ابتدا برای خط نظام پیش رفته اند، تماماً یکدفعه پیش رفته و نظام می گیرند، به وضعی که برای نظام گرفتن فرداً فرد مذکور شد.

[نمره ۳۰. فرمانده در مهلی^۱ قرار می گیرد که در وقت نظام گرفتن بتواند تمام اشخاص را ملاحظه نماید. وقتی که تماماً داخل در خط جدید شدند، خود به طرفی می رود که فرمان نظام داده است، برای ملاحظه نمودن درستی نظام و اصلاح آن.

[نمره ۳۱. فرمانده ملاحظه می نماید وقتی که تمام توپچیان نظام گرفته باشند، فرمان می دهد: نظر به پیش!

[نمره ۳۲. نظام گرفتن به عقب، به این قاعده مجرامی شود، به نهوی^۲ که توپچیان قدری عقب تراز خط جدید می روند، و بعد با جزئی حرکتی به پیش می آیند.

[نمره ۳۳. فرمانده بعد از این که به واسطه فرمان خود سه نفر از راست یا چپ، چهار قدم به عقب برد، برای خط نظام فرمان می دهد: به عقب نظام به راست یا چپ!

۱. در متن چنین است. صحیح: محلی.

۲. در متن چنین است. صحیح: نحوی.

ملاحظات:

[غره] ۳۴. فرمانده باید دقت نماید که توپچیان به يك نهج به روی خط بروند و بدنشان به سمت عقب و سرشان به سمت پیش کج نشود. توپچی سر را به حدی می گرداند که بتواند خط چشم ها و سینه نفر سیمی پهلو خود را در نظام ملاحظه نماید، و نفر سمت راست یا چپ باید به سمت پیش نگاه نماید، و توپچی نباید هرگز از خط نظام تجاوز نماید. در فرمان نظر به پیش، تمام حرکات را ترك می نماید. در نظام گرفتن به عقب، توپچی باید قدری از خط تجاوز نماید.



درس ششم

نمره ۳۵. فرمانده اشخاص را نیز بر دو صف مرتب می نماید و آنها را هم در دو صف نظام می دهد، به نحوی که سه فیل از طرف راست یا چپ برای نظام می برد.

حرکت بادشت بان:

نمره ۳۶. وقتی که صف خوب نظام گرفته باشد، فرمانده يك توپچی تربیت شده ای را به راست یا به چپ، کلیتاً به هر طرفی که می خواهد نظام بدان طرف باشد، می گذارد و فرمان می دهد: پیش پرش!

در فرمان پرش، صف به پای چپ به سرعت پیش حرکت می کند، و نماینده باید دقت نماید که در جلوروی خود راست راه برود، و شانه هایش را هم به حالت منیعیه^۱ نگاه دارد.

نمره ۳۷. فرمانده حالی می نماید بر این که هر نفری از افراد توپچی باید همیشه ملاحظه فاصله را در نفر پهلو خود که در سمت نماینده واقع است، نماید و ترك نماید فشاری را که می آید از طرفی، رفع نماید از طرف دیگر، وقتی که فاصله اش کم یا زیاد شده باشد، پیوسته نمی شود، مگر به آرامی دقت بنماید که همیشه سراسر است باشد و نظام به طرفی که مشخص شده، باشد.

نمره ۳۸. در هنگام پرش، اگر از نظام عقب مانده یا جلو افتاده باشد، قدم را قدری کوتاه یا آهسته نموده، داخل نظام می شود.



درس هفتم

در پرش منحرف:

نمره ۳۹. توپچیان وقتی که راه رفتن را خوب یاد گرفتند، فرمانده منحرف به پرش را به ایشان یاد می دهد. وقتی که صف در حرکت باشد، فرمان می دهد: نیم به راست / نیم به چپ، رو! فرمان رو، در لحظه ای که پای راست یا چپ، به زمین می رسد، داده می شود. در این فرمان، هر توپچی نیم به راست / نیم به چپ نموده، در امتداد جدید مداومت به پرش می نماید. و گاهی هم ملاحظه نظام را از شانه های نفر سمت راست یا چپ می نماید، و قدمش بریک آهنگ و شانه هایش متوازی با شانه های سایرین از طرف نظام، و باید سرنفر پهلو پوشانیده باشد. ملاحظه نمودن سرهای سایرین را در صف، تمام توپچیان باید دقت نمایند که تساوی انحراف پاها یکی باشد.

[نمره ۴۰]. فرمانده اگر بخواهد به امتداد اول حرکت نماید، فرمان می دهد: نیم به چپ / نیم به راست، رو!

فرمان رو، در لحظه ای که پای چپ یا راست، به زمین می رسد، داده می شود. در این فرمان، هر توپچی نیم به چپ / نیم به راست نموده، و بعد تماماً در جلوروی خودش راه می روند، و همه قواعدی را که برای مشق مستقیم ذکر شد، اختیار می نمایند.

حرکت با قطار:

نمره ۴۱. وقتی که صف در حرکت بوده باشد، فرمانده می تواند فرمان بدهد: به راست / به چپ، رو!

فرمان رو، به روی پای راست یا چپ داده می شود. در این فرمان توپچیان وقتی که پای راست / چپ را به زمین گذاشتند، به روی پنجه همان پارو به راست یا چپ می نمایند. هر نفری از توپچی^۱ باید دقت نماید در این که درست در عقب نفر ماقبل خود راه برود، و همان فاصله ای را که در به راست / چپ رو پیدا نموده است، نگاهداری نماید.

نمره ۴۲. وقتی که صف در حرکت با قطار است، فرمانده فرمان می دهد: قطار به راست / چپ!

در این فرمان، نفر اول سمت روی خود را عوض می نماید به طرف راست / چپ و متعاقبین

۱. در متن چنین است. صحیح: توپچی ها.

پیروی می نمایند این حرکت را.

[نمره] ۴۳. فرمانده می تواند نیز فرمان بدهد: به چپ / به راست، مختلف پرش! در این فرمان، نفر اول دو دفعه حرکتی را که برای به راست یا به چپ، ذکر شده مجرا می دارد، و متعاقبین، همین حرکت را پیروی می نمایند.

[نمره] ۴۴. فرمانده از قطار برای دشتبان ساختن به طرفی فرمان می دهد: به روی راست / به روی چپ، دشتبان بساز!

در این فرمان، نفر اول رو به طرف راست یا چپ نموده، در امتداد جدید حرکت می نماید، تا وقتی که فرمانده برای ایستادن خبر بدهد، نفر متعاقب یک قدم از نقطه ای که نفر اول رو به راست یا چپ نموده، گذشته، همان حرکت را مجرا داشته و می ایستد پهلوی نفر اول، و سایرین هم از قرار همین قاعده رفتار می نمایند و هر توجیحی دقت می نماید برای نظام گرفتن به روی خط.

[نمره] ۴۵. فرمانده از قطار، برای دشتبان ساختن فرمان می دهد: به چپ / به راست، دشتبان بساز!

در این فرمان که به روی پای چپ / راست، داده می شود، نفر اول یک قدم پیش رفته، حالت می نماید و سایرین نیم به چپ / نیم به راست، رو نموده، پیش می روند تا وقتی که نزدیک خط نفر اول برسند. در آن وقت، نیم به راست / نیم به چپ رو نموده، به روی خط حالت^۱ می نمایند، و از سمت نفر اول نظام می گیرند. و اگر صف ایستاده باشد، فرمانده بخواهد این حرکت را مجرا دارد، به انتهای فرامین مذکوره فرمان پرش را اضافه می دارد.

[نمره] ۴۶. وقتی که توپچیان این حرکت اخیرا خوب یاد گرفتند، فرمانده همین دو حرکت را با قدم دو (یعنی دویدن) مجرا می دارد، به اضافه نمودن فرمان دو به فرامین مذکوره.

نمره ۴۷. وقتی که اشخاص در حرکت با قطارند، فرمانده نیز می تواند صف نماید به فرمان به چپ / به راست رو، یا به فرمان به چپ چپ / به راست راست، اگر ایستاده باشند.



درس هشتم

نمره ۴۸. وقتی که صف در حین پرش متعارفی باشد، فرمانده طرف راست گرد می نماید، بدون این که توپچی از حرکت بازماند، بدین فرمان: طرف راست گرد!

۱. در متن چنین است. صحیح: حالت.

فرمان گرد لحظه‌ای که پای راست به زمین می‌رسد، گفته می‌شود. در این فرمان، توپچیان رو به عقب می‌نمایند، روی پنجه هر دو پا، و پای چپ را در امتداد جدید پیش آورده، حرکت را مداومت می‌نمایند.

نمره ۴۹. تمام حرکاتی را که در پرش متعارفی مذکور شد، فرمانده همه را در بدو پرش مجرا می‌دارد، به فرامین وقواعدی که به جهت پرش متعارفی مذکور شد.

در باب دو صف و چهار صف:

نمره ۵۰. در ابتدای تعلیم دسته را به حسب قد، به دو صف مرتب می‌دارند. و در اوایل مشق چون لازم است که اشخاص در یک صف مشق نمایند، فرمانده به فرامین خود، صف دویم را به طرف چپ صف اول آورده، شروع به مشق می‌نماید. پس از اتمام مشق، صف دویم را به عقب صف اول معاودت می‌دهد.

نمره ۵۱. قبل از شروع به مشق، فرمانده باید همیشه نمره اشخاص را به عین داده، به جهت این عمل فرمان می‌دهد: بشمار!

در این فرمان، نفر راست صف اول سر را به طرف چپ کرده، می‌گوید: يك. و دویمی می‌گوید: دو. سیمی نیز می‌گوید: يك. و چهارمی می‌گوید: دو. به همین طریق، تمام توپچیان يك، و دو می‌شمارند. اشخاص صف دویم، همان نمره‌ای را دارند [که] نفر جلویی خودشان در صف اول گفته است.

نمره ۵۲. وقتی که توپچیان در دو صف تماماً مرتب بوده باشند، فرمانده فرمان می‌دهد: به راست راست / به چپ چپ!

چهار صف بساز:

در فرمان اول توپچیان به راست راست / به چپ چپ می‌نمایند. و در فرمان چهار صف بساز، نمره‌های جفت در طرف راست / چپ نمره‌های طاق که در جلو خودشان واقعند، می‌روند. اگر دسته در حرکت باشد، فرمانده فرمان بساز را به روی پای راست یا چپ می‌دهد. در این فرمان، نمره‌های جفت نیم به راست / نیم به چپ نموده، به طرف راست / چپ نمره‌های طاق می‌روند.



در تبدیل سمت:

نمره ۵۳. وقتی که صف در حرکت است، فرمانده فرمان می دهد: پاروراست / پاروچپ، پیش!

در این فرمان، نفری که در سمت چپ / راست واقع است، قدم کوتاه را اختیار نموده، و در روی قوس دایره کوچکی حرکت می نماید، که نصف قطر آن مساوی باشد به ثلث طول صف، و توپچیان تماماً ملاحظه می نمایند سمت ثابت را، برای نظام و به فاصله، و هر یک که به سمت ثابت نزدیک ترند، قدم را کوتاه تر می نمایند، و نفر سمت دایره با قدم هشتاد صدم ذرعی حرکت می نماید. و در هنگام تبدیل سمت خیلی لازم است بر توپچیان که دفع نمایند فشاری را که به سمت ثابت وارد می آید، و رفع نمایند از طرف دیگر.

نمره ۵۴. وقتی که تبدیل سمت به اتمام رسید، فرمانده فرمان می دهد: حالت! یا فرمان می دهد: پیش!

در این فرمان، تمام توپچیان قدم هشتاد صدم ذرعی را اختیار نموده، و به امتداد جدید، حرکت می نمایند.

[نمره ۵۵. اگر صف ایستاده باشد، به همین قاعده، تبدیل سمت مجرامی شود، ولی نفر سمت ثابت در جای خود می گردد، و فرمانده بعد از فرمان پیش، فرمان پرش را هم می دهد.

در باب صف به هم، و حاضر باش

نمره ۵۶. فرمانده در ابتدای تعلیم صف به هم را لحظه به لحظه، با سه حرکت مجرامی دارد، و فرمان می دهد: صف به هم، یک!

در فرمان یک، توپچیان پای چپ را یک قدم عقب می برند، و در لحظه دست را بلند نموده، به طوری که آرنج در امتداد شانه واقع شود، و دست ممتد و انگشت ها به یکدیگر چسبیده، نزدیک زیر کلاه می گذارند.

و بعد فرمانده فرمان می دهد: دو!

در فرمان دو، توپچیان پای راست را پهلوی پای چپ برده و در همان لحظه دست را پایین می آورند.

پس از آن [فرمانده] فرمان می دهد: سه!

در فرمان سه، تماماً طرف راست گرد نموده و می روند.



وقتی که توپچیان این حرکات را خوب مثلث^۱ شدند، فرمانده فرمان می دهد: صف به هم، پرش!
در این فرمان، توپچیان هر سه حرکت مذکور را به آهنگ قدم، مجرامی دارند.
نمرة ۵۷. وقتی که صف از نظام متفرق شده باشد، فرمانده در ثانی اگر بخواهد، توپچیان با
نظام بایستند، فرمان می دهد: حاضر باش!
در این فرمان، نفر اول به فاصله دو قدم، رو به فرمانده جامی گیرد، و سایرین آمده، هر کدام
در جای خود ایستاده و از او نظام گرفته، به حالت راحت باش می ایستند.
در بیان سلام دادن:

نمرة ۵۸. در هنگامی که سلام باید به شخصی بدهند، همیشه باید به او نگاه کرد. و سلام را
ممکن است که هم در ایستادن، و هم در راه رفتن داد. وقتی که سلام را در حالت ایستادن
بدهند، باید به حالت خبردار باشند. با دست راست سلام را بدهند، و دست را به قسمی که
در حرکت اول صف به هم، مذکور شده، بلند نمایند. و اگر در راه رفتن بوده باشند، باید با دست
راست سلام بدهند، در صورتی که صاحب منصب از طرف چپ بیاید. و با دست چپ، اگر از
طرف راست بیاید. و اگر توپچی چیزی در هر دو دست داشته باشد، و نتواند با دست سلام
بدهد، باید حالت خبردار را اختیار نموده، و نگاه نماید آن صاحب منصب را.
نمرة ۵۹. وقتی که توپچیان بخواهند شمشیر سلام بدهند، به طریق ذیل رفتار می نمایند و
فرمانده فرمان می دهد: شمشیر کش!

در فرمان شمشیر، توپچیان با دست چپ غلاف شمشیر را گرفته به نهجی که دسته شمشیر
قدری پیش بیاید و او را با دست راست گرفته، بیرون می آورند، به حدی که دست افقی شود.
و در فرمان کش، شمشیر را تماماً بیرون می کشند و می گردانند، به قسمی که عمودی واقع شود، و
بعد می آورند به طرف راست، و در همان وقت دو انگشت اخیر [را] به عقب دسته می برند، و
باید شمشیر عمودی باشد، به قسمی که پشت او چسبیده به شانه، و دم او بیرون، و فرمانده
می تواند در ابتدا این حرکت را با یک و دو، مشق بدهد.

نمرة ۶۰. و بعد فرمانده فرمان می دهد: شمشیر پیش!
و در این فرمان، توپچیان دست راست را با شمشیر می برند به ارتفاع یقه لباس، و شمشیر باید

۱. در متن چنین است. صحیح: مسلط.

عمودی، و دم به طرف چپ باشد.

[نمره] ۶۱. فرمانده فرمان می دهد: شمشیر دوش!

در این فرمان، توپچیان شمشیر را به طرف راست خودشان می برند، و به نهجی که برای شمشیرکش ذکر شده، رفتار می نمایند.

[نمره] ۶۲. وقتی که توپچیان بنا باشد که مدت زیادی بایستند، فرمانده فرمان می دهد: راحت باش!

در این فرمان، توپچیان به قسمی که برای راحت باش مذکور شد، رفتار می نمایند، در صورتی که شمشیر را در دست راست داشته باشند.

[نمره] ۶۳. و بعد فرمانده فرمان می دهد: خبردار!

در این فرمان، توپچیان به قسمی که برای شمشیر دوش ذکر شد، قرار می گیرند، به حالت خبردار می ایستند.

[نمره] ۶۴. وقتی که توپچیان در حالت شمشیر دوش، یا شمشیر پیش، راه می روند، دست چپ باید بدون حرکت بوده باشد، ولی وقتی که بخواهند فاصله بعدی را طی نمایند، با شمشیر کشیده، فرمانده فرمان می دهد: شمشیر راحت باش!

در این فرمان، توپچی ها دست چپ را به روی تیغه شمشیر گذاشته و او را نگاه می دارند، به قسمی که انگشت ها به یکدیگر چسبیده باشد، و وضع دست را عوض می نمایند، به طوری که دسته در میان دو انگشت اول واقع شود و تمام انگشت ها در زیر، و پس از آن دست چپ را می برند به جای خود، و دست راست را هم به قدر امکان می آورند. در این صورت، باید هر دو دست حرکت طبیعی خود را داشته باشد.

نمره ۶۵. و بعد فرمانده فرمان می دهد: شمشیر دوش!

در این فرمان، توپچیان تیغه شمشیر را با دست چپ گرفته و دست راست را تغییر می دهند، به قسمی که مذکور شده، و دست چپ را به جای خود می برند.

[نمره] ۶۶. فرمانده فرمان می دهد: شمشیر جا!

در این فرمان، توپچیان غلاف شمشیر را با دست چپ گرفته، دمش را قدری پیش می آورند و شمشیر را در نزدیکی بدن می گردانند، و ملاحظه می نمایند دهان غلاف را، پس از آن به غلاف می گذارند و بعد حالت خبردار را اختیار می نمایند.



[غره] ۶۷. صاحب منصبان همه مشق شمشیر را مانند توپچیان مشق می نمایند، مگر سلام را. حرکت اول شمشیر پیش، مثل حرکت شمشیر پیش توپچیان است، ولی بعد دست راست را با شمشیر می آورند به طرف راست، به طوری که دسته شمشیر چسبیده به ران پای راست بوده باشد، و نوک شمشیر نزدیک زمین، و پای راست و دم آن به طرف چپ، و پس از اتمام سلام، شمشیر را مرتفع می نمایند، به قسمی که برای شمشیر پیش ذکر شده، و بعد حالت شمشیر دوش دوم را اختیار می نمایند.

[غره] ۶۸. وقتی که صاحب منصب شمشیر را در دست داشته باشد، و باید سلام بدهد به شخصی که شمشیر پیش حق ندارد، در این صورت، شمشیر را از حالت شمشیر دوش پایین می آورد، و به قاعده ای که برای سلام ذکر شد، وقتی که سلام به اتمام رسید، شمشیر را مرتفع نموده، حالت شمشیر دوش را اختیار می نماید.

[غره] ۶۹. در مشق پیاده يك دسته توپچی.

وقتی که يك دسته توپچی در دو صف مرتب بوده باشد، او را به سه قسمت مساوی تقسیم می نمایند. و هر رسد را به دو بهره. ولی اگر عدد توپچیان قسمی بوده باشد که نتوان به سه قسمت متساوی تقسیم نمود، باید رسد سیم یا دویم از اول عددش کمتر بشود. اگر در صف دویم يك نفر کم بوده باشد، باید جای نفر دویم از طرف چپ [را] خالی نمایند. بعد از این که دسته را تقسیم نمودند، جای صاحب منصب از این قرار است: فرمانده دسته قرار می گیرد در هر جایی که میل داشته باشد، و فرمانده هر رسد چهار قدم عقب مرکز رسد، و فرمانده بهره اول از هر رسد در طرف راست رسد خود، و فرمانده بهره دویم از هر رسد دو قدم عقب مرکز بهره خود، مگر فرمانده بهره دویم از رسد سیم که طرف چپ رسد خود قرار می گیرد. و محل شیپورچیان دوازده قدم عقب مرکز دسته است، و صاحب منصبانی که متعلق به دسته اند، ولی فرمان نمی دهند، در طرف راست شیپورچیان باید قرار بگیرند.

[غره] ۷۰. وقتی که فرمانده دسته فرمان می دهد: آن پاراد!

در این فرمان، فرماندهان رسد، هر يك در طرف راست رسد خود، و فرماندهان بهره اول از هر رسد، در عقب فرماندهان رسد می روند، و شیپورچیان با صاحب منصبانی که پهلو آنها بوده اند، در طرف راست دسته قرار می گیرند. و فرمانده دسته، خود به فاصله دوازده قدم در جلو مرکز دسته می ایستند.

صاحب منصبی که توپچیان را برای مشق حاضر می کند، باید آن پاراد قرار بدهد، به طوری که مذکور شد. وقتی که فرمانده دسته می آید و فرمان می دهد: شمشیر کش!
 و در حین رسیدن فرمانده دسته شمشیر پیش، نظر به راست / نظر به چپ، وقتی که سلام به اتمام رسید، فرمان می دهد: شمشیر دوش!
 و بعد به فرمانده دسته راپورت می دهد از عدد حاضرین، و پس از آن، فرمانده دسته، خود شمشیر کشیده، فرمان می دهد: صاحب منصب به جای خود!
 در این فرمان، صاحب منصبان و شیپورچیان به محلی که در نمره شصت و نه ذکر شد، معاودت می نمایند، و بعد فرمانده هر رسد به رسد خود فرمان می دهد: بشمار!
 فرمانده دسته شروع به مشق می نماید.

[نمره] ۷۱. هرگاه فرمانده رسدی باید از خط دشتبان عبور نماید، از طرف راست رسد متعلق به خود می گذرد، و باید فرمانده بهره اول آن رسد به میان دو صف رفته، و محل عبور به فرمانده رسد بدهد. فرمان دسته و فرماندهان رسد، باید در تمام مدت مشق، شمشیر کشیده در دست داشته باشند.

[نمره] ۷۲. تمام مشق هایی که قبل از این ذکر شد، فرمانده دسته به دسته خود مشق می دهد، و بعد مشق های آینده را مداومت می نماید.

در باب نظام دادن

[نمره] ۷۳. اموماً دسته را فرمانده دسته به قسمی که در نمره بیست [و] نه ذکر شده، نظام می دهد و در فرمان نظام به راست / به چپ، فرمانده هر رسد قرار می گیرد در جلو فیل سیم طرف چپ / راست رسد متعلق به خود، نظام می دهد رسد خود را. پس از اتمام نظام به محل خود رجعت می نماید.

[نمره] ۷۴. و اگر فرمانده دسته بخواهد نظام صحیحی بدهد، در امتداد معینی فرمان می دهد:

به راست نظام / به چپ نظام، وکیل طرفین!

در این فرمان، فرماندهان بهره ای که در طرف راست / چپ دسته قرار دارند، پیش می روند، و فرمانده دسته، آنها را در امتداد جدید نظام می دهد، و رویشان به طرفی است که در

۱. در متن چنین است. صحیح: فرماندهان.

۲. در متن چنین است. صحیح: عموماً.



فرمان نظام گفته شده است.

و بعد فرمانده فرمان می دهد: وکیل ها پیش!

در این فرمان، فرمانده بهره اول از رسد دویم و سیم پیش رفته، در خط وکیل طرفین می ایستند، و رویشان به همان طرف.

بعد فرمانده فرمان می دهد: نظام به راست / چپ!

در این فرمان، تمام توپچیان پیش می روند، و نفر طرف راست / چپ از هر رسد حالت^۱ می نمایند. وقتی که سینه اش به بازوی راست / چپ فرمانده بهره خود نزدیک شود، سایر توپچیان هر رسد، از نفر مذکور نظام می گیرند. و فرماندهان رسد به محلی که برای آن پاراد معین شده، قرار گرفته، و به رسد خود نظام می دهد.

و بعد فرمانده دسته فرمان می دهد: نظر به پیش!

در این فرمان، توپچیان نظر به پیش نموده، و فرماندهان رسد بهره به محل معین خود می روند.

در باب ستون:

نمره ۷۵. ستون بر دو قسم است: ستون بازو ستون فرار. ستون باز آن است که فاصله بین قسمت ها مساوی طول فرونت آنها بوده باشد. در ستون فرار، فاصله بین قسمت ها چهار قدم است. وقتی که دسته زیاده از بیست [و] چهار فیل نباشد؛ هفت قدم است، در صورتی که زیادتر نباشد.^۲

نمره ۷۶. ستون باز بر دو قسم است: ستون رسد و ستون بهره.

در ستون رسد، محل فرماندهان رسد چهار قدم است. جلو مرکز رسد متعلق به خودشان است. و فرمانده بهره دوم از هر رسد، در طرف چپ بهره خود قرار دارد. و در ستون بهره، محل فرمانده رسد اول (سیم) سه قدم جلوی مرکز بهره اول (دویم) آن رسد است.

سایر فرماندهان رسد طرف راست فرمانده بهره اول رسد خودشان جای دارند. و محل فرماندهان بهره ها همان محلی است که در ستون رسد ذکر شده.

[نمره ۷۷. اگر فرمانده دسته بخواهد ستون باز بسازد، به طوری که رویش به طرف

راست / چپ بشود، فرمان می دهد: هر رسد یا بهره، بازو چپ / بازو راست، پیش پرش!

۱. در متن چنین است. صحیح: حالت.

۲. در متن چنین است.

در فرمان پیش توپچیان [رو] به طرف راست / چپ می نمایند و در فرمان پرش، هر رسد (بهره) بازو چپ / راست [رو] به پیش می نمایند. وقتی که حرکات تمام شد، فرمانده دسته فرمان می دهد:

دسته هالت!^۱

نظام به راست / چپ!

نظر به پیش!

و وقتی که دسته شروع به حرکت نماید، فرماندهان رسد و بهره، به زودی به جای خود می روند.

نمره ۷۸. وقتی که فرمانده دسته می خواهد ستون رسد بسازد، به طوری که روی ستون به

طرف پیش بشود، فرمان می دهد: ستون رسد به راست / به چپ!

در این فرمان، فرمانده رسد اول (سیم) فرمان می دهد: نظام به راست / به چپ!

و بعد از نظام دادن نظر به پیش، فرماندهان سایر رسدها فرمان می دهند:

طرف راست گرد!

رسد پرش!

وقتی که به فاصله معینه خود رسیدند: به چپ / به راست، رو!

در لحظه ای که فیل اول رسد به پشت فیل اول رسد جلویی رسید، فرمانده هر رسد فرمان

می دهد:

رسد هالت!^۲

به چپ چپ / به راست راست!

نظام به راست / چپ!

و بعد: نظر به پیش!

[نمره ۷۹. وقتی که فرمانده دسته بخواهد از ستون رسد، ستون بهره نماید، فرمان می دهد:

ستون بهره به راست / به چپ!

در این فرمان، بهره دوم (اول) در هر رسد، به فرمان فرمانده خود، همان حرکاتی را که در نمره

قبل ذکر شد، جاری می نماید.

[نمره ۸۰. وقتی که فرمانده دسته بخواهد از ستون باز دشتبان بسازد، به طوری که رویش

۱. در متن چنین است. صحیح: حالت.

۲. در متن چنین است. صحیح: حالت.



به طرف راست / چپ شود، فرمان می دهد: هر رسد (بهره) بازو راست / بازو چپ پیش پرش!
و لحظه ای که قسمت ها تبدیل سمت نمودند، فرمانده فرمان می دهد:
دسته هالت!^۱

نظام به راست / چپ!

و بعد: نظر به پیش!

[غره] ۸۱. وقتی که فرمانده دسته بخواهد از ستون رسد دشتبان بسازد، به طوری که رویش

به طرف پیش بشود، فرمان می دهد: به چپ / به راست دشتبان بساز!

در این فرمان، فرمانده رسد جلویی فرمان می دهد:

نظام به راست / چپ!

نظر به پیش!

و فرماندهان سایر رسدها فرمان می دهند:

نیم به چپ چپ / نیم به راست راست!

بدو پرش!

وقتی که فیل آخر رسد به عقب فیل آخر رسد جلویی رسید، فرمانده رسد فرمان می دهد:

نیم به راست / به چپ رو!

و وقتی که سه قدم به خط رسد جلویی مانده باشد، فرمان می دهد:

رسد هالت!^۲

نظام به راست / چپ!

و بعد: نظر به پیش!

[غره] ۸۲. اگر ستون، بهره بوده باشد، همین حرکات و فرامین را [که] در غره قبل مذکور شد،

فرماندهان بهره ها داده، دشتبان می نمایند.

[غره] ۸۳. وقتی که دسته به حالت دشتبان بوده باشد، فرمانده می تواند فرمان بدهد:

ستون رسد (بهره) از راست به چپ / از چپ به راست!

در این فرمان، فرمانده رسد (بهره) طرف راست / چپ، فرمان می دهد: پیش پرش!

۱. در متن چنین است. صحیح: حالت.

۲. در متن چنین است. صحیح: حالت.

پس از این که رسد سه قدم پیش رفت، فرمان می دهد: بازو راست / بازو چپ، پیش!
سایر فرماندهان رسد (بهره) همین فرامین^۱ را به رسد (بهره) خودشان می دهند، وقتی که رسد (بهره) جلویی محازی^۲ فیل چهارمی طرف چپ / راست، رسیده باشد.
[غره] ۸۴. وقتی که دسته به حالت قطار است، فرمانده می تواند فرمان بدهد: هر رسد (بهره) به چپ / به راست دشتبان!

در این فرمان هر رسد (بهره) به فرمان فرمانده خود، دشتبان می سازد.
[غره] ۸۵. فرمانده دسته نیز می تواند فرمان بدهد: هر رسد (بهره) قطار به راست / به چپ!

و بعد: به چپ / به راست، رو!
[غره] ۸۶. وقتی که دسته به حالت ستون باز است، فرمانده می تواند فرمان دهد: به روی راست / چپ دشتبان!

در این فرمان، قسمت اول به فرمان فرمانده خود تبدیل سمت نموده، و هالت^۳ می نماید. و خبر فرمانده دسته و بعد نظام می گیرد و سایر قسمت ها پیش می روند، و هر یک که به عقب فیل سیم قسمت جلویی رسیدند، تبدیل سمت نموده، و سه قدم به خط نظام مانده، هالت^۴ می نمایند، و از قسمت اول نظام می گیرند.

[غره] ۸۷. وقتی که فرمانده دسته بخواهد از دشتبان ستون فرار بسازد، فرمان می دهد: ستون فرار به راست / به چپ!
در این فرمان، فرمانده رسد اول یا آخر به رسد خود نظام می دهد، و سایر فرماندهان رسد فرمان می دهند:

به راست راست / به چپ چپ!

قطار به راست / به چپ!

بدو پرش!



۱. در متن چنین است. صحیح: فرامین.
۲. در متن چنین است. صحیح: محازی.
۳. در متن چنین است. صحیح: حالت.
۴. در متن چنین است. صحیح: حالت.

وقتی که چهار (هفت) قدم عقب رسد جلویی رسیدن،^۱ فرمان می دهند: قطار به چپ / به راست!

وقتی که فیل اول به عقب فیل اول رسد جلویی رسید، فرمان می دهند:
رسد حالت!^۲

به چپ چپ / به راست راست!

نظام به راست / چپ!

و وقتی که نظام گرفتند: نظر به پیش!

درستون فرار محل فرماندهان رسد، سه قدم جلوی رسد مرکز رسد متعلق به خودشان است. و محل فرمانده بهره، همان محلی است که درستون باز ذکر شد.

[غرّه] ۸۸. وقتی که فرمانده بخواهد از ستون فرار دشتبان بسازد، فرمان می دهد: به چپ /

به راست، دشتبان!

در این فرمان، فرمانده رسد جلویی فرمان می دهد: نظام به راست / به چپ!

و سایر فرماندهان رسد، فرمان می دهند:

به چپ چپ / به راست راست!

بدو پرش!

وقتی که فیل آخری به عقب فیل آخر رسد جلویی رسید، [فرمانده] فرمان می دهد: به

راست / به چپ، رو!

و سه قدم به خط دشتبان مانده:

رسد حالت!^۳

نظام به راست / چپ!

نظر به پیش!

[غرّه] ۸۹. وقتی که فرمانده دسته بخواهد از ستون رسد ستون فرار بسازد، فرمان می دهد:

ستون فرار!

۱. در متن چنین است. صحیح: رسیدند.

۲. در متن چنین است. صحیح: حالت.

۳. در متن چنین است. صحیح: حالت.

در این فرمان، فرمانده رسد جلویی فرمان می دهد:

نظام به راست!

نظر به پیش!

و سایر فرماندهان رسد فرمان می دهند: پیش پرش!

وقتی که هر یک به فاصله معینه خود رسیدند، فرمانده فرمان می دهد:

رسد حالت!

نظام به راست!

نظر به پیش!

اگر دسته در فرمان ستون فرار در حرکت باشد، فرمان نظام به راست و نظر به پیش را نمی دهند. و فرماندهان رسدهای عقب به جای فرمان پیش پرش، و رسد حالت،^۲ فرمان می دهند:

بدو پرش!

قدم پرش!

[نمره] ۹۰. وقتی که فرمانده دسته بخواهد از ستون فرار، ستون رسد بسازد، فرمان می دهد:

ستون رسد!

در این فرمان، فرمانده رسد اول فرمان می دهد: پیش پرش!

و سایر فرماندهان رسد، همین فرمان را می دهند، در وقتی که رسد جلویی به فاصله معینه رسیده باشد.

[نمره] ۹۱. وقتی که دسته در حرکت باشد، و فرمانده بخواهد طول فرونت را کم نماید، فرمان

می دهد: ستون رسد (بهره) به راست / به چپ!

در این فرمان، رسد (بهره) اول (آخر) در امتداد روی خود پیش می رود، و فرماندهان سایر

رسدها (بهره‌ها) فرمان می دهند: نیم به راست / نیم به چپ، رو!

و وقتی که فیل اول هر یک، به عقب فیل اول رسد (بهره) جلویی رسید، فرمان می دهند:

نیم به چپ / نیم به راست، رو!



۱. در متن چنین است. صحیح: حالت.

۲. در متن چنین است. صحیح: حالت.

بدو پرش!

وقتی که به فاصله معینه رسید: قدم پرش!

[غرّه] ۹۲. وقتی که دسته در حرکت باشد، و فرمانده دسته بخواد دوباره طول فرونت رازیا

نماید، فرمان می دهد:

ستون رسد به چپ / به راست!

یا به چپ / به راست، دشتبان!

در این فرمان بهره اول هر رسد (قسمت اول دسته) در امتداد روی خود پیش می رود، و

سایر فرماندهان بهره (رسد) فرمان می دهند:

نیم به چپ / نیم به راست، رو!

بدو پرش!

وقتی که فیل آخری به عقب فیل آخری قسمت جلویی رسید: نیم به راست / چپ، رو!

وقتی که پهلو قسمت جلویی رسیدند: قدم پرش!

[غرّه] ۹۳. وقتی که دسته به حالت ایستاده باشد، و فرمانده بخواد رو به عقب نماید، به

طوری که صف اول جلو باشد، فرمان می دهد: به راست مختلف!

در این فرمان، فرماندهان همه طرف، راست گرد می نمایند، و چهار قدم پیش رفته، حالت^۱.

بعد فرمانده دسته فرمان می دهد:

به راست راست!

دسته پرش!

در این فرمان، هر رسد به راست مختلف پرش می نمایند، به طوری که صف اول نزدیک خط

فرماندهان بهره خود واقع شود، و وقتی که فیل اول به جای فرمانده بهره دویم رسید، فرمانده

دسته فرمان می دهد:

دسته حالت^۲!

به چپ چپ!

نظام به راست!

نظر به پیش!

۱. در متن چنین است. صحیح: حالت.

۲. در متن چنین است. صحیح: حالت.

در فرمان نظر به پیش، فرماندهان بهره، طرف راست گرد نموده، از عقب رسد به جای خود می روند.

در باب فوج توپخانه مبارکه:

[نمره] ۹۴. وقتی که فرمانده فوج، سرفوج می آید، هر دسته به حالت دشتبان می ایستند، به طوری که در نمره ۷۰ برای «آن پاراد» ذکر شده، و فرمانده دسته، دوازده قدم در جلوی مرکز دسته خود، و هر دسته سلام می دهد، و فرمانده اش راپورت می کند، به طوری که در نمره ۷۰ ذکر شد. بعد فرمانده فوج، شمشیر کشیده، فرمان می دهد: به جای خود!

در این فرمان، همه صاحب منصبان به جای خود می روند، و فرماندهان دسته در دوازده قدمی جلوی مرکز رسد خود ایستاده، همان مشقی را که فرمانده فوج امر می نماید، به دسته می دهند. تمام شد درس مشق پیاده توپخانه مبارکه، به معلمی عالی جاه موسیولیو صاحب، به تاریخ شهر ربیع الاول، کاتب الحروف، امیرزاده محمد علی میرزاسنه ۱۲۹۶.



در بیان مشق شمشیر و طپانچه:

۱. مشق هایی که معین شده اند، برای استعمال نمودن شمشیر توپچیان است، در وقتی که سواره حمله می نمایند. فرمانده باید دقت نماید در فهمانیدن این که همیشه لازم است حمله با قدرت نمود. برای حمله با شمشیر، مشق زیاد نمودن لازم است، از قوت زیاد برای استعمال نمودن شمشیر، چه از دم چه از نوک. کلیتاً در هر موقع باید قبضه در کف دست بوده باشد. ضربت با نوک، سریع می شود. باید تمام دست ممتد باشد، محاضی^۱ سینه یا پهلوی طرف مقابل.

برای ضربت شمشیر باید تمام دست ممتد بوده باشد، و در وقت ضربت، باید در کمال سرعت فرود آورد. و در وقت نواختن شمشیر باید یک جزئی از ووست^۲ یا نوک به کار باشد، و در وقت زدن، باید دست را یک قدری عقب کشید.

ضربت شمشیر باید به سرو به گردن و به روی دستی که دست جلومی گیرد، بوده باشد. ضربت مستقیم، همیشه زیادتر از ضربت به کار برده می شود و مفیدتر است.

۲. وقتی که توپچیان شمشیر دوش نمودند، در روی یک خط، و هر یک به فاصله چهار قدم ایستاده باشند، فرمانده فرمان می دهد: مدافعه!

۱. در متن چنین است. صحیح: محاذی.

۲. در متن چنین است. صحیح: وسط.

در این فرمان، توپچیان پای راست را به فاصله هفتاد صدم ذرع به طرف راست می برند، و دست چپ را به جلوی بدن برده، و دست راست را به پیش آورده، به ارتفاع آرنج، شمشیر را نگاه می دارند، به طوری که چهار انگشت به هم چسبیده و ناخن ها به طرف چپ، و نوک شمشیر و قدری بالا مقابل شانه راست، و دم شمشیر به طرف راست قدری پایین تر از پشت، و آرنج چسبیده به بدن. امتداد نوک شمشیر امتداد معینی ندارد، کلیتاً باید همیشه به طرف دشمن بوده باشد.

۳. فرمانده فرمان می دهد: ضربت به پیش و به راست، يك!

در این فرمان، توپچی نوک شمشیر را قدری طرف راست برده، ضربت مستقیم می نماید: دو!
توپچی دسته شمشیر را عقب بالای سر خود به طرف راست آورده، و آرنج خم، دم شمشیر بالا. نوک شمشیر به عقب، و به چپ ضربت به پیش و به راست می دهد، و بعد با گردش، شمشیر را به حالت مدافعه نگاه می دارد: سه!

توپچی دوباره ضربت مستقیم می نماید، و بعد شمشیر را به حالت مدافعه می آورد.

۴. فرمانده فرمان می دهد: ضربت به پیش و به چپ، يك!

در این فرمان، توپچی نوک شمشیر را قدری به طرف چپ برده، و دست را نزدیک به بدن آورده، ضربت مستقیم می نماید: دو!

توپچی دسته [را] بالای سر به چپ آورده، نوک شمشیر به عقب، ضربت، به پیش و به چپ می نماید. و بعد با گردش شمشیر را به حالت مدافعه می آورد: سه!

توپچی دوباره ضربت مستقیم به پیش و به چپ می نماید، و بعد شمشیر را به حالت مدافعه نگاه می دارد.

۵. فرمانده فرمان می دهد: ضربت به راست، يك!

در این فرمان، توپچیان نظر به راست نموده، و نوک شمشیر را به همان طرف برده، ضربت مستقیم می نمایند: دو!

توپچیان دسته را بالای شانه چپ برده و نوک شمشیر به عقب، ضربت افقی به راست می نمایند، و بعد با گردش، شمشیر را از بالای سر به جلوی سینه می آورند: سه!

ضربت مستقیم به راست نموده، و بعد به حالت مدافعه می ایستند.

۶. فرمانده فرمان می دهد: ضربت به چپ، يك!

در این فرمان، توپچیان نظر به چپ نموده، و نوک شمشیر را به همان طرف برده، ضربت مستقیم را می نمایند: دو!

توپچیان دسته شمشیر را به طرف راست سر خود آورده، و نوک [را] به عقب، ضربت افقی به چپ می نمایند، و بعد شمشیر را با گردش از بالای سر جلوی سینه می آورند: سه! دوباره ضربت مستقیم نموده، و به حالت مدافعه قرار می گیرند.

۷. وقتی که توپچیان در مشق شمشیر خوب مثلث^۱ شدند، فرمانده به جای فرمان یک، فرمان فرمان می دهد: بز!

در این فرمان، توپچیان هر سه حرکت را به یکدفعه مجرا می دارند.

۸. فرمانده وقتی که می خواهد مشق طپانچه نماید، فرمان می دهد: طپانچه دست!

در این فرمان، توپچی طپانچه را در دست راست جلوی سینه راست مایل نگاه می دارد، به توری^۲ که دهان لوله بالا باشد، بعد فرمانده فرمان می دهد: پرکن!

در این فرمان، توپچی دسته جلورا به روی دست انداخته و طپانچه را پرمی کند. پس از پرم نمودن، دسته جلورا به دست چپ گرفته و طپانچه را به جلوی سینه راست می آورد. وقتی که فرمانده بخواهد تیراندازی نماید، فرمان می دهد: حاضر، به پیش / به راست / به چپ / به عقب!

در این فرمان، توپچی دنگ طپانچه را بالا کشیده و به طرفی که در فرمان معین شده، ملاحظه می نماید و طپانچه را از بالا به پایین، به همان امتداد می برد، به طوری که بازو زیاد محکم نباشد، و در فرود آوردن به قراول می رود. و اگر فرمانده بخواهد تیراندازی نماید، فرمان می دهد: اُت!

و اگر نخواهد آتش نماید، فرمان می دهد: طپانچه دست!

در این فرمان، توپچی طپانچه را می برد به جلوی سینه راست خود، پس از آن نیم پا می نماید، و اگر آتش نمودند، فرمانده نخواهد مکرر آتش نماید، فرمان می دهد: پرکن!

ولی اگر نخواهد آتش نماید، فرمان می دهد: طپانچه دست!

و وقتی که مشق طپانچه به اتمام رسید، فرمانده فرمان می دهد: طپانچه به جای خود!

در این فرمان، توپچی طپانچه را به قاب خود می گذارد.

تمام شد مشق طپانچه، و مشق شمشیر کاتب الحروف: اقل خلق الله، محمد علی، فی سلخ ربیع الاول سنه ۱۲۹۷.



۱. در متن چنین است. صحیح: مسلط.

۲. در متن چنین است. صحیح: طوری.

